

# دشواری‌های سنجش حاکمیت قانون

مشخصات منبع این نوشتار به این شرح است:

Tom Ginsburg, "Pitfall of Measuring The Rule of Law" *Hague Journal on the Rule of Law*, 3, 2011, pp. 269-280.

کد موضوعی: ۳۲۰

شماره مسلسل: ۱۳۲۲۲

گروه: مطالعات محیط کسب و کار

مهرماه ۱۳۹۲

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۴.....	مفهوم سازی آنچه که اندازه گیری می شود
۱۲.....	چگونه بسنجیم؟
۱۹.....	آیا سنجش پیشرفت ها را تضعیف می کند؟ باز خورد تلاش برای سنجش
۲۲.....	نتیجه گیری
۲۳.....	منابع و مآخذ



## دشواری‌های سنجش حاکمیت قانون<sup>۱</sup>

### چکیده

مطالعه اخیر برای معیار تازه حاکمیت قانون، با چالش‌های روش‌شناختی متعددی روبرو است. تأکید این نوشتار بر توجه دقیق به اندیشه‌های بنیادین علوم اجتماعی در مفهوم‌سازی و حاکمیت قانون است. کوشش برای سنجش پدیده اجتماعی پیچیده‌ای همچون حاکمیت قانون چالش‌برانگیز است و نیازمند آن است که پژوهشگران و سیاستگذاران در کارهایشان به قواعد هشداردهنده علوم اجتماعی توجه کنند. نادیده گرفتن این قواعد اساسی خطر تولید معیارهای غیرقابل اطمینان یا غیرمعتبر را به دنبال دارد و می‌تواند پایه نامناسبی برای سیاستگذاری باشد. نوشتار حاضر دشواری‌هایی را به تصویر می‌کشد که پژوهشگران حاکمیت قانون به دام آن افتاده‌اند و تمهیداتی را برای بهبود روش‌های سنجش پیشنهاد می‌کند.

### مقدمه

ما در عصر سنجش و اندازه‌گیری زندگی می‌کنیم که در آن عرضه و تقاضا برای نماگرهای عددی در حال گسترش سریع است. ما شهرهایمان را بر اساس سطح ادغام

---

۱. این گزارش ترجمه مقاله‌ای است از تام گینزبرگ استاد حقوق بین‌الملل و استاد علوم سیاسی دانشکده حقوق دانشگاه شیکاگو.

جهانی،<sup>۱</sup> دانشگاه‌هایمان را براساس سطح کیفیت،<sup>۲</sup> بنگاه‌های تجاری را براساس رفتارهای محیط زیستی<sup>۳</sup> و کشورها را براساس معیارهای متعدد توسعه<sup>۴</sup> طبقه‌بندی می‌کنیم. طبعاً تلاش‌های چندین میلیارد دلاری برای گسترش حاکمیت قانون جزئی از این روند بوده است، همان‌طور که متفکران و سیاستگذاران به دنبال تولید و استفاده از معیارهای به‌نسبت عینی سنجش پدیده‌های حقوقی بوده‌اند. اکنون ما انبوهی از نماگرهای مختلف داریم؛ به‌طوری که برخی می‌گویند بیش از ۱۵۰ نماگر، مدعی معنا کردن «حکمرانی» و جنبه‌های مرتبط با کیفیت نهادی از جمله حاکمیت قانون هستند.<sup>۵</sup> توده انبوه معیارهای سنجش - و این واقعیت که همواره با هم در ارتباط نزدیک هستند - چالش‌هایی را برای متفکران اجتماعی و سیاستگذارانی ایجاد می‌کند که از این معیارها برای قضاوت تطبیقی در مورد کیفیت نظام‌های مختلف حقوقی و ساختارهای حکمرانی استفاده می‌کنند.

1. <http://chicagobreakingbusiness.com/2010/08/chicago-gains-in-global-cities-ranking.html> (accessed June 9, 2011).

2. <<http://colleges.usnews.rankingsandreviews.com/best-colleges/national-universities-rankings>> (accessed June 9 2011); <[www.arwu.org/](http://www.arwu.org/)> (accessed June 9, 2011).

3. <[www.newsweek.com/feature/2010/green-rankings.html](http://www.newsweek.com/feature/2010/green-rankings.html)> (accessed June 9, 2011).

۴. برای دیدن طبقه‌بندی کلی نک:.

Kevin E. Davis et al., 'Indicators as a Technology of Global Governance', in: *2 Institute for International Law and Justice Working Paper* (2010)

۵. برخی از این [نماگرها] در اثر زیر بررسی شده‌اند:

Stephen Haggard et al., 'The Rule of Law and Economic Development', in: *29 Annual Review of Political Science* (2008), p. 205 at p. 223.

در خصوص اعداد نک:.

Adeel Malik, 'State of the Art in Governance Indicators', in: *Human Development Occasional Papers (1992-2007)* (2002), p. 1, at p. 19.



من در این نوشتار برخی دشواری‌های حاکمیت قانون را شناسایی می‌کنم. نخست، بر توجه به اندیشه‌های بنیادین علوم اجتماعی در مفهوم‌سازی و سنجش حاکمیت قانون تأکید می‌کنم. کوشش برای سنجش پدیده اجتماعی پیچیده‌ای مانند حاکمیت قانون، چالش‌برانگیز و مستلزم آن است که پژوهشگران و سیاستگذاران در کارهایشان به قواعد هشداردهنده علوم اجتماعی توجه کنند. نادیده گرفتن این قواعد اساسی، خطر تولید معیارهای غیرقابل اطمینان یا غیرمعتبر را به دنبال دارد و می‌تواند پایه نامناسبی برای سیاستگذاری باشد. پای بسیاری مسائل در میان است و نمی‌توان وانمود کرد که چالشی وجود ندارد. ابتدا بر دو چالش اصلی تمرکز می‌کنم: مفهوم‌سازی و سنجش. تأکید من بر توجه به اندیشه‌های بنیادین علوم اجتماعی در مفهوم‌سازی و سنجش حاکمیت قانون است. در هر زمینه، دشواری‌هایی را که پژوهشگران حاکمیت قانون به دام آن افتاده‌اند، نشان خواهم داد.

سپس مشکل تأثیرات بازخورد<sup>۱</sup> را بررسی خواهم کرد. این مشکل به معیارهای گزارش‌دهی مربوط است که ممکن است در شرایطی بر تلاش برای بهبود پدیده اصلی تأثیر منفی گذارند. این مشکل بیشتر در شرایطی مطرح می‌شود که برداشت‌ها اهمیت خاصی دارند. برداشت‌ها می‌توانند واقعیت خود را تولید کنند چراکه در شرایط اجتماعی، تصمیمات مردم تحت تأثیر برداشتشان از تصمیمات احتمالی سایرین قرار می‌گیرد. این خطر برای پدیده‌ای چون حاکمیت قانون، خطری واقعی است، البته من با استفاده از مثال مفهوم فساد به آن خواهم پرداخت.

پس از بحث در مورد تعدادی از دشواری‌های احتمالی، با نگاهی مثبت نتیجه‌گیری خواهم کرد. استدلال من این نیست که باید تلاش برای سنجش نهادهای حقوقی را رها کنیم. برای سنجش پدیده‌های حقوقی دلایل خوبی وجود دارد و کار گسترده آماری که با سنجش ممکن می‌شود، بینش‌های مهمی ایجاد کرده است، اما برای پیشگیری از پیشنهادهای نامناسب سیاستگذاری باید به هشدارهای علوم اجتماعی توجه داشت.

### مفهوم‌سازی آنچه که اندازه‌گیری می‌شود

چالش اول از مفهوم‌سازی ناشی می‌شود. مفهوم‌سازی نیاز به چارچوب‌بندی مفهوم در سطح خاصی از انتزاع دارد.<sup>۱</sup> یک مفهوم خوب علوم اجتماعی، خصوصیات متعددی دارد از جمله انسجام، مانع بودن و سودمندی. [مفهوم اجتماعی] باید به نسبت روشن و جدا از مفاهیم نزدیک باشد؛ باید تا حدودی مانع باشد؛ در کل قابل سنجش باشد و قابل استفاده در طرح‌های پژوهشی باشد.<sup>۲</sup>

شاید تصور شود که هرچه یک مفهوم جامع‌تر باشد، چالش سنجش آن نیز دشوارتر خواهد بود. اما این تصور همواره درست نیست. دمکراسی مفهوم جامعی است که توسط برخی متفکران به سطحی نازل در حد انتخابات ادواری و رقابتی یا

1. Gary Goertz, *Social Science Concepts: A User's Guide* 2006, p. 28; John Gerring, *Social Science Methodology: A Critical Framework* 2001, p. 54.

2. Gerring, *Social Science Methodology*, above N. 6, p. 40.



تغییر در قدرت کاسته شده است.<sup>۱</sup> سنجش دومی آسان است. اما برخی دیگر با دیدی ماهوی به این مفهوم می‌نگرند که دربر گیرنده حاکمیت قانون، حقوق بنیادین و حمایت از اقلیت و برابری ماهوی است. نیاز به گفتن نیست که افزودن این عناصر به مفهوم دمکراسی چالش سنجش آن را دشوارتر می‌کند. برای مقایسه کیفیت دمکراسی‌ها در مفهوم موسع آن، به معیارهای سنجش هر یک از اجزا و روش گردآوری آنها در یک بخش واحد نیاز است. بررسی اجزای مختلف ممکن است باعث پیش‌داوری در معیارهای سنجش شود، اما این چالش‌ها مانع ظهور معیارهای مختلف سنجش دمکراسی و گردآوری ابر - معیارها<sup>۲</sup> نشده است.<sup>۳</sup>

تلاش‌هایی که برای سنجش حاکمیت قانون صورت گرفته، به دلیل مفهوم‌سازی ضعیف، موضوع انتقاد بوده است. این انتقادها به‌ویژه به نماگرهای جهانی حکمرانی بانک جهانی<sup>۴</sup> و شاخص حاکمیت قانون آن وارد است. یکی از انتقادها این است که بانک جهانی عناصر مجزای بسیاری را در لوای مفهومی غالب گرد هم آورده است. بانک جهانی در جایی حاکمیت قانون را چنین تعریف می‌کند: «میزانی که عواملان به قواعد جامعه اطمینان داشته و از آنها پیروی می‌کنند، به‌ویژه کیفیت اجرای قراردادهای پلیس و دادگاه‌ها و میزان وقوع جرم و خشونت».<sup>۵</sup> این تعریف مفاهیم مختلفی را در

---

1. Adam Przeworski et al., *Democracy and Development; Political Institutions and Well-Being in the World, 1950-1990* 2000, p. 15.

2. Meta-Measures

3. Daniel Pemstein et al., 'Democratic Compromise: A Latent Variable Analysis of Ten Measures of Regime Type', in: *19:1 Political Analysis* (2010), pp. 1-24.

4. World Bank's World Governance Indicators

5. World Governance Indicators, <<http://info.worldbank.org/governance/wgi/pdf/rl.pdf>> (accessed 11 July, 2011).

یک مفهوم واحد تلفیق می‌کند که شامل جرم و اجرای قراردادهای در چارچوبی واحد است. این مفهوم کاربردی، هم دربرگیرنده عناصر رویه‌ای [شکلی] است که با تعریف پذیرفته شده فولر<sup>۱</sup> از حاکمیت قانون هماهنگی دارد و هم مفاهیم ماهوی مانند امنیت اشخاص و آزادی از جرم را دربر می‌گیرد. برخی از این عناصر ممکن است در کنترل مقامات حکومتی باشند؛ برخی دیگر ممکن است مربوط به شرایط زیرساختی اقتصادی و اجتماعی باشند که ارتباطی به حاکمیت قانون ندارند. ممکن است که اینها ضرورتاً همراه با هم نباشند و نه تنها در سنجش اشتباه ایجاد کنند، بلکه موجب سردرگمی مفهومی نیز بشوند.

مشکل دیگر در سطح مفهوم‌سازی، متمایز بودن حاکمیت قانون از مفاهیم مجاور است. هر ساله نماگرهای جهانی حکمرانی همبستگی بسیاری با یکدیگر دارند. در واقع یکی از برآوردها نشان می‌دهد که ۹۵ درصد همبستگی میان حاکمیت قانون و نماگر جداگانه اثربخشی حکومت و ۹۱ درصد همبستگی میان حاکمیت قانون و کیفیت مقرراتگذاری وجود دارد.<sup>۲</sup> به گفته پروفیسور توماس «همبستگی [میان حاکمیت قانون

---

۱. لون فولر، ویژگی‌های قانون را تحت عنوان «اخلاق درونی قانون» بدین شرح فهرست می‌کند: «۱. قواعد باید عام باشد؛ ۲. قواعد باید منتشر شود؛ ۳. وضع و اعمال قواعد معطوف به گذشته باید به حداقل رسانده شود؛ ۴. قواعد باید قابل فهم باشد؛ ۵. قواعد نباید متناقض باشد؛ ۶. پیروی از قواعد نباید ناممکن باشد؛ ۷. قواعد باید در طول زمان نسبتاً ثابت بماند؛ ۸. بین قواعد اعلام شده و اجرای آن همخوانی وجود داشته باشد». فهرست مذکور را همچنین می‌توان اصول «قانونی بودن» دانست. از نظر فولر، نظامی از قواعد که به‌طور عمده هشت اصل مذکور را رعایت کند، یک «نظام حقوقی» است؛ ر.ک: برایان بیکس، فرهنگ نظریه حقوقی، ترجمه محمد راسخ، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹، صص ۲۶۲-۲۶۶ [م.].

2. Melissa Thomas, 'What Do the Worldwide Governance Indicators Measure?', Manuscript, Johns Hopkins University, available at <[www.cityindicators.org/Deliverables/Measuring%20Governance\\_1-2-2007-836890.pdf](http://www.cityindicators.org/Deliverables/Measuring%20Governance_1-2-2007-836890.pdf)>, (2006), (accessed June 10, 2011), at p. 12.





و سایر نماگرها] چنان بالاست که در این موضوع که نماگرها درحال اندازه‌گیری ساختارهای متمایزی هستند، تردید ایجاد می‌کند.<sup>۱</sup>

یکی از دلایل دشواری سنجش حاکمیت قانون، پیچیده بودن مفهوم بنیادی آن است. [این دشواری] تنها در سنجش بود و نبود ساختارهای نهادی یا حتی گردآوری آنها نیست. بهترین نگرش به حاکمیت قانون این است که آن را ترکیبی از ساختارها، نگرش‌های اجتماعی و حتی سنت‌ها بدانیم. این تعریف، مشکلاتی در گردآوری ایجاد می‌کند که در سایر مقالات این مجموعه به آن پرداخته شده است. اینجا جایی است که مشکلات سنجش خودنمایی می‌کنند. اگر منابعی که برای سنجش مؤلفه‌های مختلف حاکمیت قانون به کار می‌روند، مشابه هستند، گردآوری آنها احتمال خطای همبستگی را ایجاد می‌کند که در نهایت منجر به نتایج جانبدارانه می‌شود. در واقع، همین انتقاد به نماگرهای جهانی حکمرانی وارد است.<sup>۲</sup>

علاوه بر این، هیچ روش آرمانی واحدی برای دستیابی به حاکمیت قانون وجود ندارد. در برخی کشورها ممکن است قوه قضائیه مستقل عنصر اصلی باشد؛ در برخی دیگر قوه قضائیه می‌تواند بیش از حد خودمختار شود و خود به فعال اصلی سیاسی تبدیل شود. در برخی کشورها دادستانی‌ها تبدیل به فعال اصلی در تضمین حاکمیت قانون خواهند شد و در برخی دیگر جامعه مدنی اهمیت بیشتری دارد. تاحدودی به این دلیل است که تلاش برای جابجا کردن [جایگزین کردن] ساختارهای نهادی، در کل نتایج

---

1. Thomas, 'What Do The Worldwide Governance Indicators Measure?', above n. 11, at p. 12.

2. Christiane Arndt and Charles Oman, 'Uses and Abuses of Governance Indicators', OECD Development Center Study (2006), at p. 51.

نامیدکننده‌ای به بار آورده است.<sup>۱</sup> اگر عوامل زمینه‌ای تعیین‌کننده نتایج باشد، راه‌حل‌های مشابه و «بهترین عملکردها» ممکن است صرفاً گمراه‌کننده باشد.

موضوع نظری دیگر این است که آیا این مفهوم، خیر مطلق است؟ حاکمیت قانون بدیهی پنداشته می‌شود: هیچ‌کس نمی‌گوید که کمتر بودن آن بهتر از بیشتر بودن است. هیچ‌کس از این شکایتی ندارد که پیروی مقامات از قواعد، تا حد زیادی قابل پیش‌بینی است یا قانونگذار در اعلام قواعد بسیار شفاف عمل می‌کند. از سوی دیگر تکتک مؤلفه‌های حاکمیت قانون ممکن است خیر مطلق نباشند، بلکه باید به‌جای خیر مطلق در مورد «بهینه» فکر کنیم. برای مثال استقلال قوه قضائیه هدفی مهم برای اصلاح‌طلبانی است که معتقدند تنها قوه قضائیه‌ای مستقل و قدرتمند می‌تواند حاکمیت قانون را تضمین کند؛ اما نمونه‌هایی از جوامعی وجود دارند که مطابق تعریف، حاکمیت قانون در آنها برقرار است، اما قوه قضائیه آنها نقش برجسته‌ای ندارد. یکی از این نمونه‌ها ژاپن است. ساختار حکومت ژاپن به‌درستی به پیروی از قواعد و نبود فساد معروف است و به‌نظر می‌رسد حاکمیت قانون در آن وجود دارد. اما درخصوص سطح خودمختاری قضایی بحث‌هایی وجود دارد؛ یکی از صاحب‌نظران مهم، قوه قضائیه ژاپن را به این ترتیب توصیف می‌کند که با حزب سیاسی حاکم رفتار بسیار محترمانه‌ای دارد.<sup>۲</sup> علاوه بر این می‌دانیم که استقلال بیش از حد قوه قضائیه می‌تواند به «حکومت قضایی»<sup>۳</sup> و جابجایی قدرت دمکراتیک بیانجامد. در واقع

1. Thomas Carothers (ed.), Promoting the Rule of Law Abroad: In Search of Knowledge 2006, p. 139.

2. See J. Mark Ramseyer and Eric Rasmusen, Measuring Judicial Independence: The Political Economy of Judging in Japan 2003, p. 48.

3. 'Juristocracy'



کسی فکر نمی‌کند که حاکمیت قانون همان حاکمیت قضات است.<sup>۱</sup> استقلال قضایی نمونه‌ای از مفاهیم میانه‌ای<sup>۲</sup> است که به نسبت روشن است و در مورد نمودهای ساختاری‌اش تا حدودی اجماع وجود دارد، اما به عنوان امری نظری، نباید فکر کنیم استقلال قضایی امری مطلقاً خیر است. پاسخگویی قضایی نیز ارزش مهمی است و در واقع باید به موازنه میان استقلال و پاسخگویی به عنوان امری ضروری برای وجود حاکمیت قانون بیاندیشیم.<sup>۳</sup>

توجه داشته باشید که اگر مفهومی گسترده مانند حاکمیت قانون مفاهیم زیرمجموعه‌ای را دربر بگیرد که از دید ما ارزش‌هایی مطلوب و غیرحداکثری باشند، در مرتبط ساختن مفاهیم زیرمجموعه به مفهوم غالب باید به دقت بیاندیشیم. ممکن است فکر کنیم که هرچه از ارزش مطلوب استقلال قضایی فاصله بگیریم، منجر به حاکمیت قانون کمتر خواهد شد؛ اما در آن حالت مشکلات گردآوری مفاهیم مختلف مطرح می‌شود. اگر حوزه صلاحیت خاصی استقلال قضایی زیادی داشته باشد ولی فاقد عنصر دیگری (برای مثال قابلیت پیگرد قانونی) باشد، ممکن است در گردآوری عناصر به نظر برسد که این حوزه خاص به طور میانگین از سطح مناسبی از هریک از مؤلفه‌ها برخوردار است، درحالی که در واقع هیچ‌یک را ندارد. گردآوری عناصر ممکن است حوزه صلاحیت را به لحاظ مطالعاتی برابر با کشوری قرار دهد که دارای سطح مطلوبی از هر دو عنصر است.

---

1. Ran Hirschl, *Towards Juristocracy: The Origins and Consequences of the New Constitutionalism* 2004, p. 1.

2. Mid-level

3. David Kosar, *Judicial Accountability*, JSD Dissertation on file with author.

همچنین به‌عنوان امری نظری، باید این موضوع را روشن کنیم که چرا این مفاهیم را انتخاب کردیم. ملاحظات خاص نظری که منجر به این انتخاب‌ها شده، چه هستند؟ (قرار گرفتن فساد در مرکز گفتمان فعلی توسعه، بالقوه، نشانگر انتخاب مفهومی اشتباه برای تمرکز است). مقابله با فساد به هدف تلاش‌های عمده نهادهی برای تجدیدنظر در ساختارهای حکمرانی و تغییر نهادها تبدیل شده است، اما در واقع دلیل خوبی وجود دارد که در همانندی تمام پدیده‌هایی که تحت عنوان رفتار فاسد قرار می‌گیرند، تردید کنیم؛ رفتار فاسدی که به «سوءاستفاده از قدرت عمومی برای هدف شخصی» تعریف می‌شود.<sup>۱</sup> اقتصاددانان میان فساد کلی و فساد جزئی تمایز قائل شده‌اند و برخی استدلال می‌کنند که در شرایطی که سایر ساختارهای نهادهی مانع توسعه می‌شوند، برخی انواع خاص فساد می‌تواند «تسهیلگر»<sup>۲</sup> باشد.<sup>۳</sup> فساد می‌تواند با جذب افراد شایسته‌تر به بخش عمومی، دستمزد واقعی دولت را افزایش دهد. همچنین به‌نظر می‌رسد که فساد در برخی مراحل رشد در بسیاری از کشورها رایج بوده و الزاماً مانع رشد نمی‌شود. یکی از مثال‌های روشن این وضعیت، چین فعلی است؛ اما ایالات متحده نیز در دوران بین جنگ داخلی و آغاز دوران پیشرفت، فساد شدیدی را تجربه کرده است.<sup>۴</sup>

1. Susan Rose-Ackerman, *Corruption and Government: Causes, Consequences and Reform* 1999, p. 91; <www.transparency.org> (accessed July 10, 2011); See also Robert Klitgaard, *Controlling Corruption* 1988, pp. 2-3; Andrei Shleifer and Robert Vishny, *The Grabbing Hand: Government Pathologies and their Cures* 1998, p. 91.

2. "Efficient Grease"

3. Nathaniel Leff, 'Economic Development through Bureaucratic Corruption', in: *8 American Behavioral Scientist* (1964), p. 8, at p. 10.

4. Edward Glaeser and Andrei Shleifer, 'The Rise of the Regulatory State', *NBER Working Paper No. 8650* (December 2001), p. 1, at p. 7.



در گفتمان حاضر، مقابله با فساد هدف مقرراتگذاری به‌شمار می‌آید، اما ویژگی فراگیری آن در بسیاری از جوامع درحال توسعه چنین القا می‌کند که ممکن است نقش‌های دیگری نیز ایفا کند که از آنها آگاه نیستیم. از لحاظ نظری، توجه ما به فساد به‌خاطر خود فساد نیست، بلکه به‌خاطر گرایش آن به منحرف کردن مسیر تصمیم‌گیری عمومی از اهداف کارآ یا مطلوب اجتماعی آن است. اگر فساد همواره وجود دارد، ممکن است به این دلیل باشد که دولت‌ها به‌دنبال تداوم بخشیدن به سیاست‌های ناکارآمد هستند تا ثروتمند شدن مقامات دولتی را تسهیل کنند.<sup>۱</sup> برای نمونه ممکن است کشوری بر تجارت خارجی محدودیت‌هایی وضع کند که شرکت‌های خارجی و داخلی را برای دور زدن محدودیت‌ها به پرداخت رشوه ترغیب کند. ممکن است کشوری محدودیت‌های خاصی بر شرکت‌های خارجی در کشور وضع کند تا هم راهی برای تشویق شرکت‌های داخلی باشد که پول‌های هنگفت برای بیرون‌نگه داشتن خارجی‌ها به دولت پرداخت کنند و هم شرکت‌های خارجی به پرداخت پول‌های هنگفت برای ورود به بازار داخلی کشور ترغیب شوند.

مسئله این است که دغدغه ما برای [مبارزه با] فساد به‌دلیل آثار آن بر خیر عمومی و آثار جانبی آن بر مشکلات نمایندگی<sup>۲</sup> است. بنابراین شاید مفهومی که باید بر آن تمرکز کنیم منافع عمومی است. فساد در یک معنا، مفهومی مداخله‌گر<sup>۳</sup> است که فکر می‌کنیم با آنچه که در حقیقت نگرانش هستیم همبستگی دارد، گرچه شاید مشابه

---

1. William Easterly, *The Elusive Quest for Growth: Economists' Adventures and Misadventures in the Tropics* 2005, pp. 243-245 and p. 252.

2. Agency Problems

3. Intervening

نباشند. اگر به‌طور مستقیم‌تر بر متغیر منفعت و خیر عمومی تمرکز کنیم و فساد را نماینده<sup>۱</sup> آن فرض بگیریم، ممکن است مجموعه روابط نظری جدیدی میان این دو مفهوم ایجاد کنیم.

### چگونه بسنجیم؟

سنجش موضوع نوشته‌های فنی و پیچیده‌ای در رشته‌های مختلف است و در فلسفه علوم، مفهومی اصلی است.<sup>۲</sup> کیفیت معیارهای سنجش را به نسبت روایی (آیا معیارها همان چیزی را می‌سنجند که بنا بود بسنجند)، پایایی (آیا امکان دارد که معیارهای سنجش منسجمی برای تلاش مجدد برای سنجش پدیده مشابه تولید کنند) و تورش<sup>۳</sup> (آیا این معیار ارزش‌هایی را تولید می‌کند که به شکل نظام‌مند با ارزش‌های واقعی که قرار بود تولید کند، متفاوت است) ارزیابی می‌کنیم.

تلاش برای سنجش حاکمیت قانون با برخی چالش‌های خاص مواجه است. ایجاد معیارهای واقعاً عینی برای سنجش کیفیت سازمانی دشوار است و این دشواری در مورد حاکمیت قانون نیز صدق می‌کند. از سوی دیگر، معیارهای ذهنی نیز در معرض ملاحظات مربوط به روایی و تورش هستند. یکی از مثال‌های برجسته تحلیل‌های ریسک تجاری است که حکمرانی را می‌سنجند؛ در این تحلیل‌ها تا حد زیادی، یا حتی منحصراً، بر نظرسنجی‌های صورت گرفته از سرمایه‌گذاران خارجی تکیه می‌شود. با

1. Proxy

2. Joel Michell, 'Measurement Theory', in Kimberly Kempf-Leonard (ed.), *Encyclopedia of Social Measurement* 2005, pp. 677-682, at p. 677.

3. bias



اینکه این معیارها در نشان دادن نگرش سرمایه‌گذاران خارجی در مورد نظام حقوقی یا محیط کسب‌وکار موفق هستند، لزوماً واقعیت اصلی کیفیت نظام حقوقی را نشان نمی‌دهند و در نتیجه ممکن است کاملاً معتبر نباشند. سرمایه‌گذاران خارجی ممکن است به شکل‌های گوناگون خطاهایی داشته باشند: ممکن است بر اطلاعات محدودی در خصوص کیفیت نظام حقوقی تکیه کنند؛ ممکن است سایر ویژگی‌های کشور را با کیفیت نظام حقوقی خلط کنند و از همه مشکل‌زاتر، ممکن است ابزار مقررات‌گذاری بسیار کارآمدی را که محدودیت‌های مؤثری بر عملکردهای محیطی و کاری دارد، برای انجام کسب‌وکار نامناسب تلقی کنند. در مورد اخیر، ارزیابی سرمایه‌گذاران خارجی در واقع کاملاً اشتباه است: نظام حقوقی با کیفیتی که سیاست‌هایی را اعمال می‌کند که سرمایه‌گذاران نمی‌پسندند، به‌عنوان نظامی ضعیف ارزیابی می‌شود، در صورتی که در واقع بسیار کارآمد است.<sup>۱</sup> حتی ممکن است وضعیت چنین باشد که سرمایه‌گذارانی که با محیط‌های فاسد آشنا تر هستند، دقیقاً همان کسانی باشند که می‌دانند چگونه از مسیر پیچیده تقاضاهای رشوه عبور کنند و شرکت‌های روراست‌تر (و قابل اعتمادتر) از بازار خارج شوند.<sup>۲</sup> خلاصه، دلایل خوبی وجود دارد که فکر کنیم پیمایش‌های کسب‌وکار، به‌ویژه معیارهای معتبری تولید نمی‌کنند.<sup>۳</sup>

---

1. Marcus Kurtz and Andrew Schrank, 'Growth and Governance: Models, Measures, and Mechanisms', in: 69:2 *Journal of Politics* (2007), p. 538, at p. 542.

2. Kurtz and Schrank, 'Growth and Governance', above n. 23, at p. 542.

3. Edward L. Glaeser et al., 'Do Institutions Cause Growth?', Working Paper No. 10568, National Bureau of Economic Research (2002), p. 1, at p. 8.

بی‌تردید تلاش‌هایی برای حل این مشکلات صورت گرفته است. «پروژه عدالت جهانی»<sup>۱</sup> که بی‌گمان بلندپروازانه‌ترین طرح برای حل این مشکل است، وجود این مشکل را شناسایی کرده و با گنجاندن نظرسنجی‌هایی از عموم و از نخبگان در مورد کیفیت، سعی در پاسخ به آن داشته است.<sup>۲</sup> همبستگی بالای این عناصر و پیمایش‌های کسب‌وکار از سوی سایر فعالان این اطمینان را افزایش خواهد داد که پیمایش‌های کسب‌وکار دارای تورش نیستند.

در برخورد با این وضعیت‌ها که در آن نمی‌توان به‌طور مستقیم قانون [نظام حقوقی] را اندازه گرفت، یک استراتژی معمول تکیه بر متغیرهای نماینده<sup>۳</sup> است. یکی از تلاش‌های خلاقانه در این زمینه، فکر استفاده از «پول قرارداد بر»<sup>۴</sup> به‌عنوان معیار سنجش کیفیت سازمانی است.<sup>۵</sup> پول قرارداد بر به‌طور کلی درصد ذخیره پولی است که نهادهای رسمی مانند بانک‌ها نگه می‌دارند.<sup>۶</sup> این پول نماینده بسیار خوبی برای کیفیت نهادهاست، به این معنا که مردم تمایل دارند تنها زمانی به بانک‌ها اعتماد کنند

1. World Justice Project (WJP)

2. M. Agrast et al., *WJP Rule of Law Index*, The World Justice Project.

3. Proxy Variables

4. Contract-Intensive Money

5. Christopher Clague et al., 'Contract-Intensive Money: Contract Enforcement, Property Rights, and Economic Performance', in: 4 *Journal of Economic Growth* (1999), p. 185, at p. 187.

۶. «پول قرارداد بر» به‌عنوان شاخصی از اندازه بخش‌هایی از اقتصاد معرفی می‌شود که حیات اقتصادی آنها در گرو انعقاد قراردادهاست. تغییرات این متغیر در طی زمان، به‌عنوان شاخصی از میزان تأمین حق مالکیت و التزام به قراردادها، استحکام زیرساخت اجتماعی برای حمایت از فعالیت‌های مولد را اندازه می‌گیرد و به این‌صورت محاسبه می‌شود:

$$\frac{(M_2 - C)}{M_2}$$

M<sub>2</sub>: نقدینگی  
C: اسکناس و مسکوک در دست مردم





که مقررات دولتی کیفیت بالایی دارند، نظام مالیاتی به نسبت مرتب است و نهادهای حقوقی می‌توانند انگیزه‌هایی برای سرمایه‌گذاری در بانک‌ها تولید کنند.

به هر حال اشتباه در سنجش بسیاری از طرح‌هایی را که قصد سنجش قانون [نظام حقوقی] دارند، تحت تأثیر قرار داده است. این موضوع به خصوص در مورد مفهوم «منشأ حقوقی»<sup>۱</sup> مربوط به گروه لاپورتا، لویز دو سیلوانز، اشلیفر و ویشنی (LLSV)<sup>۲</sup> صحت دارد. این گروه مجموعه مطالعاتی را با هدف نشان دادن آثار بلندمدت کیفیت نهادهای حقوقی ترتیب دادند. در این مطالعات به کیفیت حقوق شرکت‌ها، ساختار بازارهای سهام و اوراق قرضه، کیفیت قضایی، فساد و بسیاری از متغیرها، از جمله رشد اقتصادی، توجه شده است. آنها به الگوی منسجمی دست یافتند که کشورهای با منشأ حقوقی فرانسوی عملکرد بدتری از کشورهای با منشأ حقوقی انگلیسی دارند. این یافته با مفاهیم قدیمی سازگاری دارد که حقوق عرفی را شیوه برتر مقرراتگذاری می‌دانند، چراکه رویکردی موردی دارد.<sup>۳</sup>

رویکرد لاپورتا و همکارانش در بانک جهانی بسیار اثرگذار بود و بانک براساس یافته‌های آنان توصیه‌های سیاستگذاری می‌کرد. متأسفانه مقالات آنها پر از اشتباه‌های اندازه‌گیری است. نخست، خود مفهوم منشأ حقوقی را در نظر بگیرید. یکی از مشکلات اساسی کارهای لاپورتا و همکارانش عدم موفقیتشان در تجزیه آثار

---

1. 'Legal Origin'

2. La Porta, Lopez de Silvanes, Shleifer, and Vishny (LLSV)

3. Paul Mahoney, 'The Common Law and Economic Growth; Hayek Might Be Right', University of Virginia Law School, Legal Studies Working Paper No. 00-8 (2000), p. 1; Friedrich A. Hayek, *The Constitution of Liberty* 1944, p. 56; George L. Priest and Benjamin Klein, 'The Selection of Disputes for Litigation', in: 13 *The Journal of Legal Studies* (1984), pp. 1-55.

منشأهای حقوقی از سایر میراث ساختاری مربوط به دوران استعماری است.<sup>۱</sup> گروهی از متفکران در مقاله مهمی که به تازگی منتشر شده است با تمرکز بر دو گروه از کشورها سعی در حل این مشکل دارند: کشورهایی که مستعمره بریتانیا «فرانسوی» دارند، اما مستعمره فرانسه نبوده‌اند و کشورهایی که مستعمره بریتانیا بوده‌اند، اما نظام حقوقی «ترکیبی» دارند.<sup>۲</sup> یافته‌ها نشان می‌دهد که نرخ رشد در کشورهای گروه اول و نرخ رشد کشورهای مستعمره فرانسه تفاوت نظام‌مند دارند؛ نرخ رشد کشورهای گروه دوم شبیه به نرخ سایر مستعمره‌های بریتانیاست. شاخص‌های مربوط به سیاست‌های غیرحقوقی استعماری (آموزش، بهداشت)، بیشتر تفاوت را در نرخ رشد توضیح می‌دهند. در ادامه، نویسندگان سایر متغیرهای وابسته لاپورتا و همکاران از جمله بازارهای سهام و اوراق قرضه، کیفیت قضایی، فساد و ... را بررسی می‌کنند. یافته آنها مبنی بر این است که مستعمره‌های فرانسه نسبت به مستعمره‌های کشورهای غیر از فرانسه که نظام حقوقی فرانسوی دارند بهتر عمل کرده‌اند و عملکرد مستعمره‌های بریتانیا با هر سنت حقوقی نیز به همان اندازه خوب است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که سیاست‌های استعماری بیش از خود منشأ حقوقی منبع عملکرد متفاوت هستند و از این جهت یافته‌های لاپورتا و همکارانش را رد می‌کنند.

۱. این انتقاد اغلب به معیارهای حاکمیت قانون نیز وارد است. نک.:

Kevin Davis, 'What Can the Rule of Law Variable Tell Us about Rule of Law Reforms?', in: 26 *Michigan Journal of International Law* (2004), pp. 141-161, at p. 160. See also Kevin E. Davis and Michael B. Kruse, 'Taking the Measure of Law: The Case of the *Doing Business* Project', in: 32 *Law and Social Inquiry* (2007), pp. 1095-1120.

2. Dan Klerman et al., 'Legal Origin and Colonial History?', in: *The Journal of Legal Analysis* (Forthcoming).



همچنین کار لاپورتا و همکارانش کدگذاری‌های اشتباه<sup>۱</sup> نظام‌مند داشت. هلگر اسپامان اطلاعات لاپورتا را درخصوص حکمرانی شرکتی مورد بررسی دوباره قرار داد و در ۴۶ کشور، ۳۳ مورد اشتباه کدگذاری پیدا کرد.<sup>۲</sup> این مسئله بانک جهانی را ناچار به کدگذاری دوباره اطلاعات پیشین کرد. با استفاده از کدهای جدید [اصلاحی اسپامان]، ادعای اولیه لاپورتا و همکاران مبنی بر اینکه حمایت از سهامداران در کشورهای دارای حقوق عرفی بهتر از کشورهای دارای حقوق نوشته است، رد می‌شود. به همین ترتیب، مقاله اسپامان در مورد دادرسی‌های مدنی نشان می‌دهد که هیچ تفاوت نظام‌مندی در پیچیدگی یا هزینه دادرسی‌های مدنی در طبقه‌بندی‌ها وجود ندارد. همچنین مقاله مذکور نشان می‌دهد که کیفیت اجرای قرارداد آلمان بر کیفیت اجرای قرارداد کشورهای حقوق عرفی برتری دارد.<sup>۳</sup>

نقد مبنایی‌تر کار لاپورتا و همکاران مربوط به معیار سنجش متغیر مستقل منفعت، یعنی منشأ حقوقی است.<sup>۴</sup> لاپورتا و همکاران سنت حقوق نوشته را به گروه‌های کوچک‌تر تقسیم کرده‌اند: فرانسوی، آلمانی و اسکاندیناویایی. این تقسیم‌بندی برمبنای این فرض صورت گرفته که قواعد اصلی توسعه حقوق، قواعدی هستند که بر معاملات خصوصی حاکم‌اند. بنابراین سنت قانون نوشته فرانسوی و

---

1. Mis-codings

2. Holger Spamann, 'Antidirector Rights Index Revisited', in: *23 The Review of Financial Studies* (2009), pp. 467-486, at p. 470.

3. Holger Spamann, 'Legal Origin, Civil Procedure, and the Quality of Contract Enforcement', in: *166 Journal of Institutional and Theoretical Economics* (2010), pp. 149-165, at p. 160.

۴. علاوه بر اشتباه معیاری، کار لاپورتا و همکاران موضوع سایر انتقادهای هم بود. نک.:

John Armour et al., 'Law and Financial Development: What We Are Learning from Time-Series Evidence', in: *BYU Law Review* 2009 (2009), pp. 1435-1500.

آلمانی باید در نتایج تغییر ایجاد کنند. آنها بر این اساس، برای مثال تمام کشورهای آمریکای لاتین را در گروه کشورهای که حقوق فرانسه را پذیرفته‌اند، کدگذاری کرده‌اند؛ با این فرض که سنت اسپانیایی و الگو گرفتن مستقل، این کشورها را به سوی تمرکز بر قانون مدنی به‌عنوان سند حقوقی اصلی هدایت کرده است.

اما رویکرد مذکور این مسئله را نادیده می‌گیرد که جایگاه بسیاری از نهادهای کلیدی تشکیل‌دهنده حقوق، از جمله استقلال قضایی، حقوق مالکانه و محدودیت‌های صلاحیت مقرراتگذاری، به‌طور معمول در قوانین اساسی ملی است. به‌علاوه الگوهای نشست‌گرفته از قوانین اساسی با الگوهای نشست‌گرفته از حقوق نوشته بسیار تفاوت دارند. برای نمونه آمریکای لاتین تحت تأثیر شدید اندیشه‌های آمریکای شمالی در مورد طراحی قانون اساسی بوده و بسیاری از نهادهایی را که در توسعه حقوقی بعدی نقش داشته‌اند، از این اندیشه‌ها الگو گرفته است.<sup>۱</sup> به همین دلیل ممکن است پیشنهاد شود که از این نظر بهتر است «منشأ» حقوقی انگلو - آمریکایی به‌جای فرانسوی استفاده شود. اگر این رویکرد را پیش بگیریم، خواهیم دید که امتیازهای توسعه‌ای نظام انگلو - آمریکایی از میان خواهد رفت. کدگذاری متغیرهای اصلی، معیارهایی را ایجاد خواهد کرد که قطعاً غیرمعتبرند.

مختصر اینکه انتخاب معیارهای سنجش بر نتایج تأثیر خواهند گذاشت. به‌خاطر داشتن مفاهیم بنیادین روایی، پایایی و تورش در زمان ایجاد معیارها ضروری هستند

---

1. Robert J. Kolesar, 'North American Constitutionalism and Spanish America', in George Athan Billias (ed.), *American Constitutionalism Abroad: Selected Essays in Constitutional History* 1990, p. 41, at p. 47.



و قطعاً داستان لاپورتا و همکاران دلیلی است برای رعایت احتیاط در تبدیل نتایج به توصیه‌های سیاستگذاری.

### آیا سنجش پیشرفت‌ها را تضعیف می‌کند؟ بازخورد تلاش برای سنجش

دشواری آخری که در ادبیات مربوط به این موضوع مغفول مانده، آن است که معیار سنجش ممکن است در برخی شرایط در واقع تلاش‌های صورت گرفته برای بهبود رفتار مربوط را تضعیف کند. ارزیابی‌های سازمان شفافیت جهانی<sup>۱</sup> را در نظر بگیرید که در سطح وسیعی نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ این ارزیابی‌ها که اطلاعات نظرسنجی‌های متعددی را جمع‌آوری کرده‌اند، ۱۸۰ کشور را بر اساس مقیاسی ده امتیازی برای سنجش سطح فساد طبقه‌بندی می‌کنند. سازمان شفافیت جهانی بیش از هر نهاد دیگری تلاش کرده تا موضوع فساد را به مرکز توجه برنامه‌های سیاستگذاری تبدیل کند. ارزیابی‌های سالانه سازمان شفافیت جهانی مورد توجه فراگیر هستند و دولت‌ها و جوامع مدنی کشورهای طبقه‌بندی شده در رده‌های بالا و پایین از آن استفاده می‌کنند. برای مثال، هیئت توسعه اقتصادی سنگاپور به نمره بالای خود در شاخص سازمان شفافیت جهانی و جایگاهش در طبقه‌بندی مقیاس «انجام کسب‌وکار»<sup>۲</sup> افتخار می‌کند.<sup>۳</sup> از سوی دیگر در کشورهایی که نمره پایینی در نظرسنجی دارند، رسانه‌ها عادت دارند توجه همگان را به جایگاه پایین کشور جلب

1. Transparency International

2. Doing Business

3. <[www.edb.gov.sg/edb/sg/en\\_uk/index/why\\_singapore/singapore\\_rankings.html](http://www.edb.gov.sg/edb/sg/en_uk/index/why_singapore/singapore_rankings.html)> (accessed June 10, 2011).

کنند. در واقع این رویه قسمتی از استراتژی «رسواسازی»<sup>۱</sup> سازمان شفافیت جهانی است.

اما طبیعت فساد باعث می‌شود که استراتژی «رسواسازی» نتیجه عکس بدهد. مشکل فساد در اصل این است که اقدام جمعی بخشی از شهروندان می‌باشد. اگر دستگاه اداری صادق باشد و هیچ‌کس رشوه ندهد، هر شهروندی وضعیت بهتری خواهد داشت. از سوی دیگر، اگر همه رشوه دهند و یکی از شهروندان رشوه ندهد، او وضعیت بدتری خواهد داشت: ندادن رشوه باعث می‌شود وی به خدمات دولتی که حق او است، دسترسی نداشته باشد. انتظارات شهروندان در مورد رفتار احتمالی سایر شهروندان، عامل اصلی تعیین‌کننده قابل حل بودن مشکل اقدام جمعی است.

اگر تصور شهروندی این باشد که فساد در کشورش مشکل کوچکی است، ولی ناگاه با تغییر در ارزیابی‌های گزارش شده خارجی درباره میزان فساد روبرو شود، تصورات خود را با احتمال وقوع مشکل تطبیق خواهد داد. تغییر در شاخص‌ها نادر نیست: افغانستان از رتبه ۱۱۷ جهان در سال ۲۰۰۵ به رتبه ۱۷۹ جهان در سال ۲۰۰۹ سقوط کرد.<sup>۲</sup> مطالعه‌ای در اوکراین نشان داد که زمانی که مردم فکر می‌کنند فساد فراگیر است، تمایل بیشتری به مشارکت در فساد دارند.<sup>۳</sup> مورد دیگری که رسانه‌ای شدن میزان فساد در یک کشور می‌تواند ایجاد کند این واقعیت است که تصور میزان

1. 'name and shame' strategy

2. See Adam Samaha, *Regulation for the Sake of Appearance*, manuscript at N. 231; Transparency International, 'Corruption Perceptions Index', 2005 and 2009.

3. Inna Cabelkova and Jan Hanousek, 'The Power of Negative Thinking: Corruption, Perception and Willingness to Bribe in Ukraine', in: 39 *Applied Economics* (2004), pp. 383-397, at p. 384.



فساد ممکن است مانع ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشور شود. این وضعیت، بازار محلی را به کسانی که در حال حاضر در آن شبکه فاسد فعال هستند محدود می‌کند، از رقابت جلوگیری می‌کند و دور شدن از تعادل ایجاد شده از وضعیت فاسد را دشوارتر می‌سازد. بنابراین، رسانه‌ای کردن فساد می‌تواند آن را تقویت کند.

همین پویایی در رابطه با حاکمیت قانون هم متصور است. داشتن رتبه پایین در یک نماگر بین‌المللی، از سوی شهروندان و خارجی‌ها نشانه‌ای از کیفیت واقعی نهادهای زیربنایی تلقی می‌شود. ممکن است شهروندان از مراجعه به دادگاه‌ها اجتناب کنند و در عوض به سازوکارهای جایگزین، مانند محدود کردن دادوستد به شبکه‌های شناخته شده، برای معاملات خود روی آورند. نبود اعتماد به وجود حاکمیت قانون ممکن است تصمیمات سرمایه‌گذاری را نیز منحرف کند؛ چراکه مردم از سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت که در اختیار دولت یا بخش خصوصی هستند خودداری می‌کنند. ممکن است خارجی‌ها با دانستن اینکه نمی‌توانند به قانون اعتماد کنند و ورود به شبکه‌های شناخته شده محلی را سخت می‌دانند، از سرمایه‌گذاری اجتناب کنند. به‌طور خلاصه تا جایی که به حاکمیت قانون مربوط است، ارائه تصویر نامناسب از وضعیت حاکمیت قانون می‌تواند نوعی پیشگویی باشد.

البته موضوع این نیست که سنجش‌ها باید پنهان باشند؛ بالعکس. این تنها تأکیدی دوباره بر اهمیت سنجش درست است. برای مثال فرض کنید که در کشوری شهروندان به دلیل فرهنگی یا تاریخی، به‌طور نظام‌مند مایل به گزارش فساد در سطحی بالاتر از سطح واقعی آن هستند. این وضعیت می‌تواند به دلیل تصورات اشتباه

شهروندان باشد یا به دلیل وجود «فرهنگ شکایت» که در آن شهروندان مایل به نقد مقامات دولتی هستند. اگر گزارش نادقیقی در مورد سطح واقعی فساد عمومی شود، ممکن است اعتقاد شهروندانی را که فکر می‌کنند دولت قابل اعتماد است، تضعیف کند. به این ترتیب، قابل تصور است که معیارها، تلاش برای بهبود اوضاع را تضعیف کنند.

### نتیجه‌گیری

در این نوشتار، برخی دشواری‌های معمول را که نیاز دارد در تلاش برای سنجش حاکمیت قانون در نظر گرفته شود، بررسی کردیم. برخی از این دشواری‌ها میان همه مطالعات علوم اجتماعی مشترک هستند و به همین دلیل مقید بودن به قواعد سنتی علوم اجتماعی کافی است. این قواعد توانایی را برای سنجش موضوعی که به اندازه حاکمیت قانون انتزاعی است، محدود می‌کند اما به این معنا نیست که امیدمان را از دست بدهیم. بلکه باید تلاش تازه‌ای بکنیم که معیارهای جدید قابل اعتماد، معتبر و با پیش‌داوری حداقلی تولید کنیم. تلاش «پروژه عدالت جهانی» در این زمینه نقطه شروع خوبی است، اما تنها نظارت می‌تواند نشان دهد که تلاش‌ها اثربخش بوده یا خیر.

اما دشواری آخر در مورد استفاده از معیارهای سنجش است و به کیفیت معیارها ارتباطی ندارد. تأکید بر احتمال وجود پیشگویی‌هایی که به حقیقت می‌پیوندند در وهله اول، در مورد تأثیر مبهم معیارهای علوم اجتماعی اغراق می‌کند، اما در عین حال نیز بر حکمرانی خوب تأکید می‌کند. حکمرانی خوب در نهایت مشکل هماهنگی





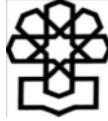
میان شهروندان است که در آن باور هریک از شهروندان در مورد باور دیگران تعیین‌کننده اقدامات وی می‌شود.<sup>۱</sup>

### منابع و مآخذ

- به صورت پاورقی در متن قید شده است.

---

1 See generally Barry Weingast, 'The Political Foundations of Democracy and the Rule of Law', in: 91 *American Political Science Review* (1997), pp. 245-263.



شماره مسلسل: ۱۳۲۲۲

مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: دشواری‌های سنجش حاکمیت قانون

نام گروه: مطالعات محیط کسب‌وکار

مترجم: لیلی منفرد

ناظر علمی: احمد مرکزالمیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار تخصصی: مریم احمدیان

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. حاکمیت قانون

۲. ارزیابی حاکمیت قانون

۳. محیط کسب‌وکار

۴. فساد

۵. بانک جهانی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۷/۱۰